

نظرة
اثبت
حالة
بانه لم
وسوف
النوار
تراجع
قادرة
صمة على
نفسها
كانت
استفاد
نية في
بفشلها
تج التي
لتاضلين
لحصول
تتعلق
النوار
الحكومية
بدل على
تحت
الكفاح
ساعدهم
شاهد
هذه
شاهد
ر وقوة
كل قوة
الاخرى
والاخرى
ن يوم
الجهاد
نمية كل
وليا هم
لون ضد
لتاضلين
تر فاكتر
لامبرالية
صانعي
امبرالية
ن
ة
ن والبلس
لة نصف
والمدنية
ة بالمدينة
از الشرطة
واستولوا
در النفعية
تق للدلايه
ه الممثل
ا سواحل
خطه في
الاسرائيلية
ببه ذلك
ب خانه
سلاح

باختر امروز

((جريدة باختر امروز))
نشرة
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
العدد الثالث عشر السنة الاولى
المرحلة الرابعة
حزيران ۱۹۷۱

مؤسس : شادروان دکتر سيد حسين فاطمي
نشریه سازمان های جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

امروز مردم ایران بروشنی می بینند که در مملکت دو نیرو وجود دارد . نیروی خلق و نیروی ارتجاع ، هر دو مسلح اند و هر دو کمر به نابودی دیگری بسته اند . ولی یکی مترقی است یکی مرتجع . یکی در جهت سیر تاریخ است و یکی در جهت عکس آن ، یکی رشد یابنده است و یکی در حال زوال ، یکی پرورنده است و یکی محکوم بمرگ اکثریت عظیم مردم ایران که نیروهای خلقی هستند جهت و موضع خود را هر روز بیشتر خواهند شناخت و بیاری پیشاهنگان خود که در مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم در صفوف مبارزه هستند خواهند شتافت .

تیرماه ۱۳۵۰

دوره چهارم

شماره ۱۳ سال اول

در بار شاه سردسته باند قاچاق

اگر قرار باشد قاچاقچیان واقعی تیرباران شوند ، اشرف ها ، هویداها و در رأس آنها شاه باید گلوله باران شوند . عامل همه تیره روزیهای مردم ، دربار فاسد شاه و رژیم سلطنتی خیانت پیشه او است .

رژیمهای ضد خلقی که پایه مردمی ندارند و از جانب مردم نگهداری نمی شوند ، معمولا برای حفظ موقعیت خود مجبورند شیوه های بکار گیرند . یگروز با عوامفریبی کوشش میکنند باصطلاح پایه خود را « قرص » کنند و روز دیگر با کشتار و خونریزی ، و هر زمان هر یک بهتر پیش رفت بان دست زنند . شاه که در رأس یکی از فاشیستی ترین حکومت های تاریخ قرار دارد ، شناس خود را در هر دو راه آزمایش کرده ، روزی دسته دسته جوانان را باعدامگاه فرستاده و روز دیگر در سرتاسر کشور و با کمک همه دستگاههای تبلیغاتی یقه انقلابیکری چاک داده و باتمام امکانات بی حد کوشیده خود را انقلابی و اعمال ضد انقلابی و مزدورانه اش را انقلاب وانمود کند . و اینها همه بامید جلوگیری از مبارزات رشد یابنده مردم و ادامه عمر ننگین خودش بوده است . لیکن هوشیاری خلقی زحمتکش ما هرگز باو اجازه راحت نشستن نداده ، نه اعدامهای دستجمعی اش توانسته ترسی در دل مردم ما بیاندازد و در تصمیم رزمنده شان خلی وارد سازد ، و نه « انقلاب کردن » هایش توانسته کسی را فریب دهد و از راه مبارزاتی خود بازدارد . این است که همیشه برای شاه پس از یک دوره ناخوش و تاز و خود نمائی هیچ چیز جز ناکامی و حسرت باقی نمانده و هر بار کوشیده به نوعی دیگر خود را « قهرمان » کند .

یگروز « قهرمان » مبارزه با « فئودالیسم » میشود در صورتی که خودش بزرگترین زمیندار ایران است . یگروز « قهرمان » مبارزه با بیسواد می شود در صورتی که خود نایاب ترین دشمن علم ودانش است . و روز دیگر « قهرمان » مبارزه با مواد مخدر ، در صورتیکه خود در رأس خانواده ای قرار دارد که هر یک از افرادش رهبر باند قاچاقی است .

آنچه در این مقاله مورد نظر ما است و میخواهیم بان بپردازیم این قسمت آخر است . چون ماهیت بخشهای اول و دوم را آنچه در روستای ایران گذشته و حملات مداوم قزاقانش بدانشگاه شناسانده است .

شاه دوسالی است مدال قهرمانی « مبارزه با مواد مخدر » را بر سینه آویزان کرده و به کشت و کشتار می پردازد . کیهان یکشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ مینویسد : « اجرای سیاست ریشه کن کردن اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در ایران جوخه آتش ۸۱ بار شلیک کرده است .

این لکه ننگ مدال افتخار رژیم شاه است و بعنوان تبلیغ از آن استفاده میشود . کیهان تحت این عنوان بقیه در صفحه ۳-

توجه

شماره دوازدهم باختر امروز که حاوی اخبار و بررسی جنبش انقلابی ایران بود بزبان عربی انتشار یافته است .

۲۵۰۰ سال شاهنشاهی و خاتمه آن

رژیم سلطنتی ایران عاملی ترمز کننده در امر پیشرفت تاریخ و تکامل بشریت محسوب میشود . مردم ایران قاطعانه خواستار سرنگونی رژیم سلطنتی محمد رضا شاه و سپردن قدرت بدست زحمتکشان میباشند .

مدتی است که رژیم محمد رضا شاه تبلیغات وسیعی در اطراف جشن باصطلاح « دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی » براه انداخته است و کوشش میکند تاریخ و فرهنگ ایران را در وجود « شاهان » طفیلی خلاصه نماید و با مسخ تاریخ و فرهنگ ایران قصد دارد موجودیت ارتجاعی و انکلی رژیم سلطنتی را در قرن حاضر در اذهان مردم ایران توجیه کند .

مهمن ما دارای تاریخ و تمدن کهنسالی است ولی برخلاف ارتجاع ، ما سازندگان خلق تاریخ و تمدن ایران را توده های خلق ، بخصوص زحمتکشان میدانیم ، آنچه ما بان افتخار میکنیم مبارزات و قیامهای دلیرانه خلق علیه ظلم و بیادگرگی و فداکاریهای حماسه آفرین آنان بمنظور ریشه کن ساختن استثمار و استعمار و در جهت خدمت به بشریت میباشد ، نه وجود شاهان طفیلی و استثمارگر .

چندی پیش علم ، دلقک شاه ، ضمن سخنانی درباره باصطلاح « عظمت » جشن شاهنشاهی گفت : « شاهنشاه ۳۰۰۰ ساله امپراتوری کهنسالی را از جانب خدا گرفته اند یا از جانب ملت خویش تصمیم اتخاذ فرمودند که این جشن بزرگ برگزار شود بنابراین این جشن را به بهترین نحو برگزار میکنیم . اگر اینهمه معتقدات نداشتیم بازم کاملا بجا بود که فرش و لحاف و زندکیمان را بفروئیم و این جشن را برگزار کنیم » . (کیهان ۲۸ اردیبهشت ۵۰) در جواب این غلام خانه زاد دربار باید بگوئیم که در واقع خدای شاه و خاتنین درباری امپریالیسم جهانی میباشد و تمام ارادل درباری که فاقد شخصیت انسانی هستند مورد کینه و نفرت مردم میباشند و از طرف خلق طرد شده اند . شاه و دلقک او بمردم تجویز میکنند که ضروری است حتی فرش و لحاف و زندکی خود را برای برگزاری جشن بفروشند . سانیان دراز است که آنان مردم را غارت میکنند تا جشن های تولد خاتنین رنگارنگ درباری را برگزار کنند . مدتها است درآمد ملی را که باید صرف عمران و آبادی کشور گردد ، خرج مراسم تبلیغات انقلاب کذائی سفید میکنند و میلیاردها ریال از دسترنج زحمتکشان را خرج مراسم تاجگذاری ، دعا و نیایش و مراسم تحمیلی دیگر میکنند .

در حالیکه مردم ایران از شرایط اولیه زندگی محرومند ، شاه با صرف میلیونها ریال کالسهکه مخصوص در اطریش سفارش میدهد و با هواپیما بایران حمل میکند . قریب صد میلیون تومان وان حمام بلورین خریداری میکند تا تبهکاران درباری در آن با تفریح غوطه بخورند ، در حالیکه صدها کارگر بیکار و آواره ایرانی دسته دسته برای پیدا کردن کار ولقمه نانی در آبهای خلیج فارس غرق میشوند .

برای فرح و سایر زنان درباری ، آرایشگر فرانسوی ، جواهرساز مخصوص ، خیاط و نندیمه خارجی بازمینه هنگفت میاورند و آوازه خوان و رقاصه از فرانسه و گل از هلند میاورند تا زندگی « متنوعی » داشته باشند ، در حالیکه مردم بیچاره ایران از سیستان تا آذربایجان ازدادگشتن ابتدائی ترین وسائیل زندگی محرومند .

علاوه بر قصر ها و ویلاهای متعددی که در کشور

بشورای جلاد
پیشانی چهره بادستان خون آلود
شانه دست بخت زشتان مردم
مید خورشید ز برق بگرمای تو
کله ای خون و دامن گیر !
دگره دوست چیده است
نام گشتن تو بار باره با دشمن گشته خوره !
بیکامانه است
از خون پیشان
بر سر دستکش راه
نقش پایضرب یاد
ری جلاد
تنگت بادا

توررو اختناق در ایران

اینک رژیم دیکتاتوری - فاشیستی شاه از یکطرف با مبارزات پیکر و درخشان خلق روبرو گردیده و از سوی دیگر در سطح جهانی بیش از پیش مفتضح گردیده است . باین علت وحشیانه ترین حملات خود را علیه نیروهای انقلابی و آزادیخواه تشدید نموده است . رژیم دست نشانده شاه برای دستگیری انقلابیون رزمنده گروه « جنگل » و برای از میان برداشتن هسته های بقیه در صفحه ۳

علاوه بر قصر ها و ویلاهای متعددی که در کشور

وسهم خود را در این غارتگری ایفا کنند .
 ● میلیونها ریال خرج چاپ نشریات و عکسهای رنگی درباریان . بمشغور تبلیغ جشن مزبور در داخل و خارج کشور کردهاند تا باصطلاح مردم جهان به « عظمت » شاه پی ببرند .
 ● ازطرف دربار دستور دادهاند که هر هفته جشنهایی بمشغور « بزرگداشت » خود جشن ۲۵۰۰ ساله برگزار کنند .
 ● چادریهای کراقیمت متعددی تحت عنوان « خیمه پادشاهان و سیران کشورها » برای برگزاری جشن مزبور بقیمت قریب ۱۶۰ میلیون تومان خریداری کردهاند .
 ● علاوه بر هتلهای بزرگی که در تهران و اصفهان درست کردهاند (مخارج ساختمان يك هتل متعلق به شاه در تهران به تنهایی قریب ۱۲۰ میلیون تومان شده است) رجوع شود بروزنامه اطلاعات هوائی ، اول اردیبهشت ۴۷ (دوهتل بزرگ ، یکی در شیراز و دیگری در تخت جمشید ، مخصوص برگزاری جشن مذکور ساختهاند .
 ● يك شرکت انگلیسی مبلغ شش میلیون تومان ، چراغانی فقط دوشهر را در این جشن بعهده گرفته است .
 ● روزنامه کیهان ۲۳ آذر ۴۹ خبر میدهد طی سی سال ساختمانها و تأسیساتی که بمشغور کاوش های علمی و سکونت مهندسان و کارگران و همچنین مقارنه ها و ساختمانهای دیگر را که در اطراف تخت جمشید ایجاد شده بود بمشغور جشن ۲۵۰۰ ساله ویران ساخته و حق اعیانی بصاحبان آنان پرداختهاند .
 ● علاوه بر اینکه چند هزار نفر از سیران کشورهای جهان و همراهانشان بخرج مردم ایران دعوت شدهاند ، قریب يك هزار نفر عکاس و فیلم بردار و روزنامه نگار خارجی بمشغور بخرج دولت بایران میروند .
 ● گنگره بزرگی با شرکت ۲۵۰ نفر از شرق شناسان جهان باخرج هنگفتی دعوت شدهاند که از روز ۲۰ مهرماه ۱۳۵۰ در شیراز اجتماع کنند .
 ● روز ۲۴ مهرماه میدان باصطلاح شیید (مردم آنرا « میدان شید » می نامند) که باهزینه ۴۵۰ میلیون تومان تهیه شده ، توسط شاه افتتاح میشود .
 ● استادیوم ورزشی بزرگی باخرج چند میلیون تومان برای برگزاری ورزشی در جشن مزبور نزدیک تهران بنا کردهاند . (برای اطلاع از جزئیات برنامه رجوع شود به روزنامه کیهان مورخ ۴ ، ۵ ، ۲۹ فروردین و ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۰) .
 ● مجله « باری ماج » فرانسوی در تاریخ ۱۸ ماه مه ۷۱ درباره برنامه جشن کذائی مزبور از جمله خبر میدهد که خیمه پادشاهان با آستر طلائی تهیه شدهاند و بوسایل تهریه هوای گرم و سرد مجهز هستند . چادر سلطنتی ایران که مخصوص شاه و فرح میباشد بوسیله بیست « لوستر کریستال » مجلل روشن میشود و دارای يك میز ناهار خوری بطول ۶۹ متر میباشد . ناهارخوری مزبور بسالنج پدیرائی مربوط است که بهمین ظرفیت بامبله های کران قیمت و فرشهای بی نظیر و اناجیه لوکس که از کرانترین مغازه های عتیقه فروشی اروپائی جمع آوری و خریداری شدهاند . در همین چادر سلطنتی که در وسط چادریهای دیگر قرار گرفته ، اطاقهای خواب خانواده سلطنتی ایران با مجلل ترین وضعی تزئین شده . چادر های فرعی که بفرم يك ستاره بدور چادر بزرگ اصلی قرار دارند ، محل اقامت سیران کشورها میباشد . این چادریهای کوچک هر کدام دو اطاق خواب ، دو حمام ، يك سالن ، يك اطاق برای گذاشتن چمدان والیسه و يك اطاق پیشخدمت و يك آشپزخانه کوچک است و همچنین دارای تلفنهایی است که بتمام نقاط جهان متصل میشوند . ظرفیکه برای میز شام دستور دادهاند عبارتست از اشیاء کریستال که از « باکارا » سفارش شده . روی لیوانها و روی بشقابها تاج سلطنتی باطلا نقش شده و این سرویس برای پنج هزار نفر مهمانی است که در زیر چادر آستر طلائی پدیرائی میشوند سرویس کارد و چنگالهای طلا میوه خوری و دسر خوری مستقیماً از پاریس به شیراز برده میشوند . کلیه خوراکیهای مصرفی این مهمانی از بزرگترین و معروفترین

دستورتهای پاریس (ماکسیم) آورده میشوند و پیشخدمت و آشپزها و سایر مستخدمین همگی از فرانسه با خط مستقیم هوائی خواهند رسید . گلهای این جشن را از هلند سفارش دادهاند . بیادبود و بزرگداشت این جشن مقدار زیادی مجسمه های کوچک از طلا ساختهاند که روی یکطرف آن صورت شاه و فرح و در طرف دیگر آن آثار خرابه های تخت جمشید حک شده است و تاریخ برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله روی آن منقوش است . این مجسمه ها را پلر « ژان پلر بل موندو » آرتیست معروف میسازد . برنامه ارکستر و تختههای سفید کوچک ، که ۱۷۴ نفر هستند ۲۷ اکتبر از پاریس با هواپیما مستقیماً بشیراز وارد میشوند . مجلس رقص را شاه و فرح افتتاح میکنند و برنامه هایش زیر نظر ملکه فرح برگزار میشود . همچنین هزاران نفر رامشگر و رقاصه جمع آوری شدهاند که در این مراسم شرکت کنند .
 ● شاه ای بی شخصیت وابسته بامیرالیس ، جلاد که دستش بخون هزاران زحمتکش و آزادیخواه ایران آلوده است ، و ظنفروشی که مین ما را بطور کامل در اختیار سرمایه داران جهانی قرارداده ، جنایتکاری که ایران را با زور سر نیزه و پلیس به زندانی بزرگ تبدیل کرده ، میخواهد بدون توجه بشرایط ناگوار زندگی مردم ، بابر دادادن ثروت ملی میلیونها پابرهنه و کرسنه ایران جشن بگیرد تا باصطلاح برای خود « شخصیت » بسازد و نزد اربابانش مقبول شود . در شرایطی که شاه و دیگر خود فروختگان درباری جشن و خوشرفقی بزرگی تدارک می بینند ، مردم میهن ما در شرایط غم انگیزی بسر میبرند که بطور اجمال بان اشاره میکنیم :
 ● دکتر عیسی صدیق سناتور شاه گفت « در حال حاضر یک هزار و هفتصد دبیرستان در ایران وجود دارد که هزار تای آن دارای معلم واجد شرایط یعنی معلمی که معلومات کافی برای درس دادن داشته باشد نیست . » (اطلاعات هوائی ۴ خرداد ۴۷) .
 ● به تنهایی مدارس تهران به ۲۷۰۰ آموزگار جدید احتیاج دارد . (اطلاعات هوائی ۱۷ مرداد ۴۷) .
 ● از دانش آموزان تبریز سالی دو میلیون تومان عوارض میگیرند تا بودجه آموزش و پرورش آنجا را تأمین کنند . (کیهان ۱۹ آبان و اول آذر ۴۹) .
 ● هر سال ۶۰ الی هفتاد هزار نفر در کنکور شرکت میکنند و حداقل چهل هزار نفرشان پشت میله های دانشگاه باقی میمانند . (کیهان ۱۰ آبان ۴۹) .
 ● در شهر خدابندلو در فرمانداری کل زنجان برای ۸۹ هزار نفر جمعیت فقط دو پزشک غیر متخصص وجود دارد .
 ● در ایران برای هر پنج بیمار روانی که احتیاج به بستری شدن دارند فقط يك تخت وجود دارد . . . دکتر بناهلو رئیس بیمارستان رازی تهران میگوید : در حدود دو بیست الی سیصد هزار نفر بیمار روانی هستند که احتیاج بمعالجه دارند اما جائی برای نگهداری بیمار اضافی نداریم و باید فکری برای بستری کردن این عده بشود . . . در روز بطور متوسط پنجاه نفر باین بیمارستان مراجعه میکنند . . . ما برای جوانگونی به مردم حداقل احتیاج به پنجاه هزار تخت داریم . . .
 ● آقای دکتر بطحائی متخصص روانی بیمارستان رازی میگوید : طبق آمار از هر هزار نفر چهار نفر احتیاج به بستری شدن در بیمارستان روانی دارند . با این حساب برای سه میلیون جمعیت تهران باید دوازده هزار تخت روانی تهیه دیده شود در صورتیکه در حال حاضر فقط سه هزار تخت در بیمارستان های خصوصی و عمومی موجود است . بطور کلی در سطح کشور ایران به صدو بیست هزار تخت برای این بیماران احتیاج دارد . (کیهان ۱۲ آبان ۴۹) .
 ● بطوریکه مشاهده میشود فقط برای بیماران روانی به صد بیست هزار تخت در بیمارستان ها احتیاج است در حالیکه طبق آمار دولت دسراسر کشور برای کلیه بیمارها فقط بیست هزار تخت وجود دارد .
 ● طبق آمار وزارت بهداری ایران يك پنجم از

کودکان ایران تا سن یکسالگی میبرند .
 ● طبق آمار فدراسیون بین المللی مبارزه با مواد مخدره ۲۰ درصد از جوانان ایرانی که کمتر از سی سال دارند مبتلا به هروئین هستند وقاچاقچیان معروفی که در اس آنها اشرف خواهد شاه قرار دارد پول هنگفتی از این راه بجیب میزنند .
 ● بطوریکه حتی جرایم وابسته بر رژیم اطلاع میدهند ، دهها هزار کودک خردسال ایرانی برای اینکه از کرسکی نمیزند و بتوانند کمک مالی بخانواده خود بعبال آورند ، در کارگاههای قالببافی و زیلوبافی کرمان ، یزد ، آذربایجان وغیره با حقوقی روزانه بیست ریال کار میکنند و اغلب آنها درائی پروت کارگاهها وعدم برخورداری از وسائل بهداشتی فلج و کور شدهاند . در بسیاری از نقاط ایران بخصوص در سیستان و کرمان و خوزستان و آذربایجان ، دهقانان ایرانی در اثر بیکاری و فقر بیحد بشهرها هجوم آوردهاند و در جستجوی کار حتی با تحمل مشقات زیاد بطور قاچاق بکشورهای همسایه فرار میکنند تا خانواده خود را از کرسکی نجات دهند .
 ● کارگران ایرانی در اثر استثمار مضاعف سرمایه داران درباری و خارجی باینده خود امیدوار نیستند و دست باعصاب و شورش میزنند که بارها توسط پلیس شاه آنها را بکلوله بستهاند .
 ● در چنین شرایطی دولت خائن هویدا برای بودجه ۱۳۵۰ کل کشور يك میلیارد تومان اوراق قرضه تحت عنوان « قرضه دفاعی » بچاپ میرساند و ۸۸۱۸ میلیون تومان دیگر وام از سرمایه داران داخلی وخارجی میگیرد تا سی و دو درصد به بودجه ارتش ضسختلی شاه بیفزاید و از طریق اعمال روش ترور و پلیس ، انقلاب مردم را سرکوب کند . (ارقام بودجه در کیهان ۴ اسفند ۴۹) .
 ● نمونه های دیگر جناسایات رژیم علیه کارگران ، دهقانان ، روحانیون مترقی و روشنفکران انقلابی بحدی است که در این مختصر نمیکنند . شاه که بدروغ خود را طرفدار منافع مردم فلسطین میدانند با اسرائیل و سران ارتجاعی عرب صمیمانه ترین روابط رادارد . عده ای از جوانان انقلابی ایران که قصد پیوستن بانقلاب فلسطین را داشتند پس از دستگیری ، بدستور شاه آنان را بقصد نابود ساختن شکنجه دادند و سپس در بیدارگاههای نظامی بجسبهای طویل المدت محکوم کردند . نمونه برجسته دیگر جنایات رژیم شاه کشتن عده ای از جوانان انقلابی میباشد که چندی قبل برای نجات خلق خود در سیاهکل و تهران دست بعمل مسلحانه زدند . عده ای از این دلاوران خلق که توسط پلیس دستگیر شدند ، بطرز وحشیانه ای بدست جلادان شاه شکنجه شدند و در زیر شکنجه جان سپردند (باعادی آنانرا ازه کردند) . این قهرمانان جان خود را بخاطر خلق فدا کردند و در راه سرتکونی رژیم ارتجاعی شاه کام برداشتند . دستگاه تبلیغاتی شاه ریک ترین دشمنها واتهامات که سزوار شاه و درباریان میباشد ، بانها نسبت داد . شاه دیوانه یار بقتل عام مردم وانقلابیون مشغول است تا بهر قیمتی شده « جشن بگیرد » .
 ● شاه و درباریان مشغولند تا باریختن خون هزاران انقلابی و بقیمت فقر و بیماری میلیونها دهقان و کارگر ایرانی « جشن شاهانه » خود را رونق بخشند . ولی خلق قهرمان ایران خواستار نابودی رژیم سلطنتی محمد رضاشاه است وقهرمانانه و مصمم تر از سابق براه خود ادامه خواهند داد .
 ● از نظر مردم ایران رژیم سلطنتی که بر اساس استبداد و استثمار قرار دارد ، مظهری است ارتجاعی و سربرجامه .
 ● رژیم سلطنتی ایران عاملی ترمز کننده در امر پیشرفت تاریخ و تکامل بشریت محسوب میشود ولذا مردم ایران قاطعانه خواستار سرتکونی رژیم سلطنتی محمد رضاشاه و سپردن قدرت بدست زحمتکشان میباشد .
 ● مردم ایران تنها پس از خانه « شاهنشاهی » ایران و پیروزی کامل انقلاب ، باافتخار وشکوه تمام جشن خواهند گرفت و در این جشن انقلابی است که خائنین بمجازات میرسند و استثمار واستعمار ریشه کن شده و تقسیم عادلانه ثروت عملی میگردد .
 ● وظیفه تمام نیروهای خلق و سازمانهای دموکراتیک و انقلابی است که برای برهم زدن جشن ارتجاعی شاه و سرتکونی حکومت سلطنتی وابسته بامیرالیس در ایران متحداً مبارزه کنند .

از نبرد مسلحانه چریکهای شهر و روستا حمایت کنیم

بقیه دربار شاه سردسته باند قاجاق

مقاله نسبتاً مفصلي نوشته و با جملاتی مانند « تحفه شوم استعمار » یا « ... وقتی مصالح يك ملت در میان است ترحم بی مغزی انسان بگلوره بسته شده اند مخفی دارد . کوتاه ۸۶ نفر این امر بنو مطلب باید توجه کنیم . یکی اینکه آیا بواقع کسانی که این چنین پیرحمانه بگلوره مزدوران امپریالیسم سپرده شدند جرمشان قاجاق تریاک و هروئین بود یا کشتارشان علل دیگری داشت . و دیگر اینکه اگر هم بفرض اینان در امر قاجاق دستی داشته اند ، آیا میتوانند مقصر واقعی بوده باشند ، یا اینکه ندانسته عامل خود دربارنشینان قرار گرفته اند . در مورد مسئله اول موقعیت ، وضع زندگی و گذشته برخی کسانی که در این گروهها اعدام شده اند حقیقت امر را روشن میکند . پرورش همدانی کسی که در اولین گروه یازده نفری همراه با دو افسر ارتش تریاران شد ، کسی است که اقلاً در محیط سیاسی اطراف خودش شناخته بود ، جرم پرورش همدانی این بود که در روزهای پیش از ۲۸ مرداد مجسمه شاه را در همدان بزرگ کشید و پس از آن هم دست از دشمنی با دشمنان مردم برنداشت . اگر آن زمان متواری شد و به چنگال عمال دربار نیفتاد ، امروز بالاخره شاه جلاد فرصت یافت و با انگ قاجاقچی برگیارش سپرد . از آنجائی که خفقان شدید حاکم در ایران اجازه نمیدهد محیط سیاسی کشور ما باز باشد و افراد بیکدیگر شناخته شوند ، اینگونه افراد طبعاً در سطح کشور نمی توانند معرفی گردند ، لیکن اینقدر هست که در محیط کوچک خود اقلاً شناخته شده اند و وضعیتشان روشن است . هرگاه کسی بخواهد بداند آیا واقعا فلان کس که بجرم قاجاقچی گری یا یانگ زدن کشته شده ، قاجاقچی و دزد بوده یا نه ، باید بزنگی این افراد و اوضاع واحوال ایران مراجعه کند نه بر صفحات کیهان و اطلاعات . و بر این اساس است که ما معتقدیم در اکثر موارد شاه از این اتهامات بیانه ساخته و کسانی را که جرمشان دشمنی با دستگاه آدمکش او بوده بهجوبه اعدام بسته است . و این در آینده روشنتر نموده خواهد شد .

اما فرض دوم مسئله را بگیریم و آن اینکه برخی از اینان هم بصورتی در امر قاجاق دست داشته اند . آیا بواقع قاجاق هروئین و تریاک کاری است که از يك روستائی آذربایجان ، يك زن مشهدی ، يك دکاندار تهرانی ، یا يك گروهیان ارتش ساخته است ؟ باز برای روشن شدن این امر دو مطلب را باید بررسی کنیم . یکی امکاناتی که این کار لازم دارد و دیگر سابقه قاجاقچی گری در ایران و قاجاقهای کلانی که بدام افتاده . مسئله امکانات لازم جهت قاجاق تریاک و هروئین امروز کاملاً برای همه روشن است . و کم بیش همه میدانند که تهیه و نقل وانتقال و خرید و فروش این اجناس کاملاً بصورتی جهانی و انحصاری در آمده و در دست باندهای بزرگی است که هر يك خود دولتی هستند در درون دولت خویش . در امریکا و اروپا باندهائی مانند « مافیا » انحصارگران این کارند . و وقتی چنین باشد در آسیا نیز باید کسانی که امکان رابطه و معامله با چنین باندهائی دارند دست اندر کار باشند . در ویتنام جنوبی و وزاری کابینه دولت ارتجاعی بازرگانان این « جنس » اند و خواهیم دید که در ایران نیز جز این نیست . وقتی مسئله در چنین سطحی مطرح باشد که تهیه و خرید و فروش هروئین یا تریاکو قاجاقش بيك کشور نیاز با امکاناتی در آن سطح داشته باشد ، بخودی خود بی اساس بودن این ادعا که فلان دکاندار یا دهقان شهرستانی یا فلان گروهیان میتواند در اینجا کارهای باشد با ثبات میرسد . می ماند اینکه این دهقان یا دکاندار که فرضاً تریاک داشته چه کاره است ؟ این هم پرورشی پیدا است که دانسته یا ندانسته عامل شده است . فلان گروهیان ارتش یا بهمان بیکاره گرسنه فریب دلایلهای شاهزده ها و وزیر و کلبه را خورده به بخش تریاک یاهروئین پرداخته است و قربانی رقابتهای باندهای درباری گردیده . این کاملاً آشکار است که او خودش نمیتواند با تهیه کنندگان این مواد رابطه ای داشته باشد . او حد اکثر فریب خورده عاملین اصلی است و باکشتن او هم هیچ دردی دوا نمی شود . برای جلوگیری از قاجاق تریاک و هروئین باید کسی را که امکان گذاشتن يك آزمایشگاه صدها هزار تومانی در قلب يك باغ صدها جریبی دارد ، یا کسی را که میتواند آزادانه و یا پرواز دیپلماتیک بسته هایش را به مرز وارد کند گلوله باران کرد ، نه دکاندار بیچاره ای را که

جز کوچه مغازه و تریاکی محله اش جای دیگری را نمیداند و کس دیگری را نمی شناسد . او وسیله قرار گرفته و وقتی هم کشته شد دیگری و دیگری . پس باید دید آنهايي که عاملین اصلی قضیه اند چه کسانی اند . از وضع امکاناتی که جهت این کار لازم است دیدیم که باید افرادی باشنند در سطح بالا و بصورتی با دربار مرتبط ، باکمی جستجو پیدا خواهند شد . مجله خواندنیها شماره ۴۹ سال هفتم ، شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۲۵ چنین مینویسد :

« بوجوب خبر راديو پاریس ایرانیان توقیف شده در پاریس باتهام قاجاق ، يك نویسنده ، سه روزنامه نگار ، سه عضو سفارت ، يك سرهنك و يك تاجر بزرگ میباشند . بوجوب خبر بعدی تقریباً پنجاه نفر تاکنون دستگیر شده اند از جمله آقایان : امیر عباس هویلا دیر اول سفارت ، حجازی ، صنیع اللؤلؤة ، سرهنك اسفندیاری ، گنجبغ ای مدیر باباشمل ، وهاب زاده ، منصور صالحی .

در یادداشتی که دولت فرانسه بایران داده قید شده است که حقوق دیر اول شما معلوم و مخارج او نیز معین است ولی تحقیق کنید ویلای مشارالیه در خارج پاریس از چه محل خریداری شده است . در این زمینه برای سایرین نیز مطالبی نوشته شده است . »

این عین مطلب خواندنیها است تنها زمانی که حق داشتند چنین مطالبی را بنویسند . کسانی که در این جا نام برده شده اند همه کمابیش شناخته شده اند و حاشیه نشینان دربارند . آقای امیر عباس هویلا سرکرده باندند ، و بیاس اینگونه خدما تاش بکری نخست وزیری شاه تکیه زده اند و رئیس حزب شاه ساخته و مجری انقلاب سفیدش میباشد .

اشرف خواهر شاه و عامل اصلی کودتای ۲۸ مرداد تاکنون چندین بار در گمرک کشورهای مختلف بدم افتاده و پرونده اش بانفسوذ « برادر تاجدارش » بسته شده است . از جمله در سال ۱۹۶۲ همین خواهر « فعال » شاه در مرز سویس با چند چندان هروئین بدست پلیس این کشور افتاد که اگر فعالیتهای فرستادگان برادرش نبی بود هنوز باید در زندان سویس در کنار قاجاقچیان بسربرد .

در سال ۱۹۶۴ که شاه از طرف دانشگاه کالیفرنیا برای اخذ درجه دکترای « افتخاری » دعوت شده بود ، فدراسیون بین المللی مبارزه بامواد مخدر ضمن اشاره بقاجاق هروئین توسط اشرف خواهر شاه طی نامه ای به رئیس دانشگاه نوشت که بیش از بیست در صد جوانان کمتر از سی سال در ایران به هروئین معتادند . و باین وسیله بدان دکترای بکسی که خود و دربارش عامل اصلی قاچاقند اعتراض کرد .

برای اینکه عاملین اصلی و قاجاقچیان « آزاد » در ایران کاملاً شناخته شوند همین دوسه نمونه با توجه بانچه گذشت کافی است و میتواند واقعیت را نشان دهد . در یکطرف شاه و اشرف و هویلا قاجاقچی و جوخه آتش آنان قرار دارند و در طرف دیگر مردم ایران که هر دم گروهی بگلوره بسته میشوند . شاه از یکسو قاجاق را بهانه کرده و عده ای بیگناه را باعدامگاه میفرستد ، از سوی دیگر متکوشد مسئله قاجاق از انحصار دربار و درباریان خارج نشود و در این میان لقب « قهرمانی » نیز بخود میدهد . جوخه آتش شاه تا پنجم اردیبهشت ۱۳۵۰ هشتاد و شش بار شلیک کرده تا منافع اشرفها و هویداها تهدید نشود ، تا کسانی که به بهانه دیگری امکان نداشته باین بهانه گلوله باران شوند ، و تا اینکه بتواند بازم سالوسانه دم از « منافع ملت » بزند . اگر قرار باشد قاجاقچیان واقعی تریاران شوند ، اشرف ها ، هویداها و صنیع اللؤلؤه ها و در رأس آنها شاه باید تریاران شوند که در گمرک کشورهای مختلف و در سطح باند بازیهای جهانی پرونده دارند . نه فلان بقال یا چهارپادار شهرستانی . آنچه هرگز باین کشتارها نمی چارپادار مبارزه با قاجاق است ، دربار شاه خود عامل اصلی قاجاق و لغزش و گمراهی جوانان است .

آنکه هودش از صدمت در گمراهی ، بی خیالی ، اعتیاد ، هرگز و نابسامانی عده ای از جوانان وطن ما است شاه و دربارش میباشند نه فلان بیکاره ای که از زور گرسنگی عامل دلالان اشرف میشود . عامل همه تیره روزیهای مردم دربار قاسد شاه و رژیم سلطنتی خیانت پیشه او است و این را باهیج انگ و رنگی نمی شود پوشاند .

بقیه ترورو اختناق

انقلابی میهن ما تمام امکانات و تلاش خود را در چند ماه گذشته بکار بست و عکسهای برخی از آنان را به در و دیوارهای تهران و شهرستانها چسباند و از مردم خواست تا با نیروهای پلیسی شاه در دستگیری انقلابیون همکاری کنند ، اما وقتی از همکاری مردم خبری نشد ، رژیم دست باقدام بشیرمانه دیگری زد ، باین ترتیب که برای دستگیری هریک از انقلابیون جایزه تعیین نمود . باین ترتیب قصد داشتند که مردم را تطمیع کنند ، ولی این عمل تنها خشم و نفرت مردم را نسبت بشاه و هیئت حاکمه مزدور بیشتر ساخت بطوریکه در مقابل عمل دولت مبنی بر نصب عکسهای انقلابیون بر گنبرکها ، مردم نیز عکسهای از نوکران امپریالیسم مثل هویلا ، علم ، اقبال ، شریف امامی وغیره را بدرختها و دیوارها چسباندند و برای مجازات آنها جایزه تعیین کردند و باین ترتیب مشتت محکمی بردند خط فاصلی بین انقلابیون حیلہ گرانه کوشش میکردند بگردان درخیمان مزدور که و مردم درست کنند ، کوبیدند . وقتی رژیم عین العمل مردم را مشاهده کرد ، دیوانهوار و غضب آلود فریاد برمی آورد که اگر کسی از افرادی که تحت تعقیب قانون هستند اطلاعی داشته باشد و مقامات « امنیتی » را باخبر نسازد ، بشدیدترین وجهی مجازات خواهد شد .

هم اکنون هسته های انقلابی درسراسر کشور گسترش یافته اند و مبارزات انقلابی درخمندگی خاص کسب کرده اند . توسعه هسته های انقلابی موجب وحشت رژیم گردیده و سازمان « امنیت » ابلهانه در نشریات وابسته رژیم « آگهی احضار » آنان را چاپ میکند . باین معنی که از انقلابیون مبارزی که تحت تعقیب پلیس هستند میخواهند که بیایند و خودشانرا بدادگاه نظامی تسلیم کنند ، و این هنگامی صورت میگیرد که سازمان « امنیت » شاه تمام تلاش و امکانات خود را بکار بسته و موفق نگردیده مبارزین را دستگیر سازد . آیا این نهایت درماندگی ارتجاع نیست ؟ و آیا این قدرت هسته های انقلابی و پیوند آنان با مردم را بیان نمیکند ؟

مردم ایران از فرزندان دلدار و انقلابی خود مثل مردمک چشم حفاظت خواهند کرد و متحدان رژیم ارتجاعی سلطنتی را ریشه کن خواهند ساخت .

اینها نمونه هایی از آگهی های احضاری رژیم شاه است که در نشریاتش بچاپ میرساند .

میباشند اطلاع میگرد که باهام عضویت درسته و جمعیتی بارام دروبه اشترائی در دادگاه عادی شماره ۴ واقع در رشت تحت تعقیب میباشید لازم است ظرف ۴۲امه از تاریخ انتشار این آگهی خودرا به دادگاه معرفی نمایند محل صورت مدم حضور وانتقاضی مهلت مقرر دادگاه قیابا بپرونده امر رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد شد . رئیس دادگاه عادی شماره ۴ رشت ۱۵۱۴ ش ۳۳

آگهی احضار

به غیر نظامیان ۱- احمد جلیل زاده ۲- موسی مددی ۳- میرهاشم سید طالبی ۴- سلیم محمدپور ۵- حسین فرحچیک ۶- علی پورسریازی ۷- علی کرم فرزند غلام انصرت فرزانه ۹- عبداله مغفرتی ۱۰- قارنداش شریفی ۱۱- لاعلمی صدیقی ۱۲- علی عباس زینل زاده ۱۳- سید احمد میر رسولی ۱۴- علی لطفعلی زاده ۱۵- حاجی محمد تازیچیک فعلا مجهول المکان میباشند ابلاغ میگردد که باتهام عضویت درسته و جمعیتی بارام و رویه اشتراکی در دادگاه عادی شماره ۲۰ اداره داندرسی نیرو های مسلح شاهنشاهی تحت پیگرد میباشید لازم است ظرف دو ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی خود را باین دادگاه معرفی نمایند بر صورت عدم حضور و انتقاضی مهلت مقرر دادگاه قیابا بپرونده امر رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد نمود اولین آگهی در سه نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محلی درج میگردد . رئیس دادگاه عادی شماره ۲۰ اداره داندرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی در گرگان ۱۰۷۷۶ ر.م.الف ۲۷۵۹ ش ۳۱

باختر امروز

گرمو آزادگان دربند روسپی نامردمان بر کار



محمد رضا شالگونوی

محمد رضا شالگونوی در سال ۱۳۲۴ در شهر تبریز متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در این شهر به پایان رسانید. دوره دوم دبیرستان بامارکسیسم - لنینیسم آشنا گردید و آنرا راهنمای عمل خود قرار داد.

پیشتر خود را بر اساس این ایدئولوژی منطبق ساخت و هر روز درآموزختن و عمل کردن آن جهدی فراوان بخرج داد.

در سال ۱۳۴۳ تحصیلات دبیرستانی خود را بپایان رسانید و برای ادامه تحصیل بتهران آمد. شالگونوی موفق شد از دیوار بلند کنکور دانشگاه که رژیم شاه آنرا ایجاد کرده است بگذرد و در رشته قضائی دانشکده حقوق بتحصیل خود ادامه دهد. دانشگاه تهران عرصه وسیعتری بود برای این جوان انقلابی. او بزودی در پیشاپیش جنبش دانشجویی قرار گرفت و بادرک صحیحی که از مبارزات دانشجویی داشت در غنی ساختن شکل و محتوی این جنبش کمک فراوان کرد. او سرانجام در اثر مبارزات بی‌گشردر اسفند ماه ۴۶، دست چند روز پس از مراسم چهلین روز شهادت جهان پهلوان تختی، و تظاهرات وسیع و بی‌مانند مردم تهران، توسط سازمان «امنیت» دستگیر و در زندان قزل‌قلعه زندانی شد. در خیمان رژیم تبهکار محمد رضا شاه پس از شکنجه فراوان در خردادماه ۴۷ او را برای تنبیه از زندان بسربازخانه تربت حیدریه منتقل ساختند.

شالگونوی در طی دوران سربازی بواسطه خصایل پاک انسانی و اخلاق نیک انقلابی خود مورد احترام و علاقه شدید دوستان سربازش بود. زندان و شکنجه و سربازی که رژیم برای بازداشتن دانشجویان از مبارزه و تبدیل آنان بمناسر مایوس اعمال میکند، نه تنها کوچکترین خللی در اراده شالگونوی وارد نیاورد بلکه ایمانش را به امر انقلاب راسخ تر نمود.

محمد رضا شالگونوی پس از فراغت از سربازی برای کسب تجارب انقلابی و همبستگی انترناسیونال - لیستی، تصمیم میگیرد همراه با عده‌ای از رفقای خود به فلسطین برود اما هنگام گذشتن از مرز توسط درخیمان شاه دستگیر و روانه شکنجه گاه اوین میگردد. این انقلابی جوان نیز مانند رفقای دیگرش تحت وحشیانه ترین شکنجه‌های سازمان «امنیت» قرار گرفت، اما او که یک انقلابی صدیق و وفادار بارمانهای خلق است با عزمی استوار شکنجه‌های آدمکشان محمد رضا شاه را تحمل نمود. شالگونوی در پیدادگاه نظامی شاه در زیر برق سرنیزه پاسداران رژیم کودتا مانند پاک‌نژاد، کاشساز، و بطحائی، در حقیقت رژیم ضد خلقی و دست نشانده شاه را بمحاکمه کشید و محکوم ساخت. او گذشته از اینکه دفاعیات پاک‌نژاد را تأیید نمود و اظهار داشت که «سخنان پاک نژاد حرف توده‌های پابرنه است و من بوجود او افتخار میکنم» خود نیز بدفاع آتشین از خلق پرداخت و همین امر باعث شد که باصطلاح دادگاه تجدید نظر محکومیت او را از پنجسال به ده سال افزایش دهد و این برای شالگونوی که قلبی آکنده از عشق ب مردم دارد چندان ناگوار نیست، زیرا او خوب میدانست دفاع از توده‌های ستمدیده و مانع درصفت خلق، چنین عواقبی از طرف مزدوران دست نشانده امپریالیسم بدنبال خواهد داشت.

پس از پایان محاکمات، شالگونوی را از زندان قصر زندان شهرستان زابل منتقل ساختند. طبق اخبار رسیده او در زندان دچار بیماری زخم معده گردیده است.

اعلامیه مشترک سازمانهای آزادیبخش فلسطین

رژیم مزدور اردن بدون هیچ توجیهی بقرار دادهای عمان و قاهره با استفاده از تمام سلاحهای سبک و سنگین خود دست باینگونه حملات حمله گرانه و بزدلانه میزند. رژیم اردن در این راه از وضعیت کنونی منطقه عربی، از موضع گیری برخی سازمانهای عربی و سیاستهای کنونی آنان، از توطئه‌ی سکوتی که انقلاب فلسطین از طرف بعضی از دستگاههای مطبوعاتی عربی بآن روبرو است، از وضعیت کنونی جنبش مقاومت و بطور کلی از وضعیت جهانی که شدیداً تمایل به حل مسالمت آمیز مسئله‌ی فلسطین دارد بهره گیری میکند.

جنبش مقاومت و جنبش آزادیبخش فلسطینی - اردنی در برابر تمامی این خطرهاییکه محاصره‌اش کرده است همهی نیروهای ملی، مترقی و دموکراتیک منطقه‌ی عربی را باگاهی و هوشیاری انقلابی دعوت میکند و از آنان میخواهد تا باتوجه بضرورت پذیرش مسئولیت بشکل جدی همبستگی ارگانیک و هم سرنوشتی خود را در انجام رسالت تاریخی عصر خویش در تشکیل جبهه ملی عربی وسیع تجمل بخشند، جبهه‌ای که قادر به نیروبخشی انقلابی و اعطای کمک‌ها و امکانات انقلابی جدیدی به جنبش مقاومت باشد. تادرتو آن جنبش مقاومت امکان یابد در برابر همهی حملات بی دریغی رژیم و تمامی توطئه‌های تصفیه آمیز آن ایستادگی کند و بصورت عملی مبارزه‌ی خود را در همهی جبهه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی علیه این رژیم مزدور ادامه دهد، و امکان یابد دولتی ملی و مترقی روی کار آورد، دولتی که دوست جنبش مقاومت باشد. ازیکسو دوش بدوش آن جهت دست یافتن بازادی ملی و دموکراتیک در ساحل شرقی مبارزه کند، و از سوی دیگر بخاطر ادامه‌ی جنگ توده‌ای و مسلحانه، برای نابود کردن تمام ارگانها و موسسات صهیونیستی توسعه طلب و غاصب و جهت آزاد ساختن همه سرزمینهای اشغال شده از مدیترانه تا رود اردن تلاش ورزد.

بناسبت سالگرد جنگ اعراب و اسرائیل ژوئن (۱۹۶۷) و حملات نیروهای ارتجاعی رژیم ملک حسین بسازمانهای آزادیبخش فلسطین، اعلامیه مشترکی از طرف هفت سازمان آزادیبخش فلسطین (۱ - جنبش آزادیبخش ملی فلسطین (فتح)، ۲ - فرماندهی کل جبهه‌ی توده‌ای، ۳ - جبهه توده‌ای دموکراتیک، ۴ - جبهه رهائی بخش عرب، ۵ - جبهه ملق برای آزادی فلسطین، ۶ - جبهه پیکار توده‌ای فلسطین، ۷ - سازمان رهائی بخش فلسطین ۰۰) در عراق انتشار یافت که ما قسمتهائی از آنرا درج میکنیم:

« جنبش مقاومت فلسطین هم اکنون از جانب ارگانهای نظامی - فاشیستی رژیم پادشاهی دست نشانده اردن مورد یک سلسله حملات جدید قرار گرفته است. هدف این حملات تصفیه جنبش و نفی موجودیت قانونی پیکار آزادیبخش ملی فلسطینی - اردنی و همچنین مسخ قضیه فلسطین است »

شکست پنجم ژوئن بصورتی آشکار ناتوانی و ورشکستگی همه برنامه‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دیگر برنامه‌های تمامی سازمانهای عربی را نشان داد. شکست سال ۱۹۴۸ نیز بیانگر روشنی بود بر ناتوانی و عجز همه برنامه‌های طرح شده از جانب سازمانهای فئودالی و ارتجاعی عربی در آن زمان. لیکن شکست پنجم ژوئن ۱۹۶۷ بصورتی ملموس نارسائی و درماندگی بیش از حد همه برنامه‌های طرح شده و سیاستهای را که برخی از سازمانهای عربی بدانها اعتماد کرده بود نشان داد.

برخی از سازمانهای عربی شکست خورده در پنجم ژوئن باز بجای اینکه بسوی توده‌های مردم روی آورند و آنان را بیدار ساخته، سازمان داده برای جنگی دراز مدت علیه دشمن طبقاتی خود یعنی مرتجعین عرب و علیه دشمن ملی میهنشان (اسرائیل - صهیونیسم - امپریالیسم جهانی) بسیج کنند اندک اندک در مقابل نقشه‌های امپریالیستی - صهیونیستی سر فرود آوردند.

اخبار

- در تهران شایع است که چند نفر دیگر از مبارزین که در رابطه با انقلابیون «سیاهکل» دستگیر شده بودند در زیر شکنجه درخیمان شاه کشته شدند.
- در اعتصاب کارگران کارخانه چیت سازی ری که همزمان با اعتصاب و تظاهرات اخیر دانشگاه تهران انجام گرفت یکی از کارگران کارخانه توسط ماه موران دولتی بقتل رسید و تعداد زیادی دستگیر شدند. باوجود این، کارگران موفق گردیدند دولت را مجبور سازند بخواستهای آنان توجه نماید.
- دهقانان چند روستای اطراف یزد در فروردین ماه گذشته شورش میکنند و مقداری از وسائل شرکتهای «تاورنی» را درهم میشکنند. ماه موران شاه هزار نفر از دهقانان شورش را دستگیر میسازند و ۶۲ نفر از آنان را بدادگاه نظامی تحویل میدهند.
- یکی از انقلابیون که چند ماه قبل در حمله بدفتر شرکت هواپیمائی اسرائیل شرکت داشته، پس از دستگیری در اثر ضربات شکنجه جلدان شاه دچار اختلال حواس شده و جان او در خطر است.
- طبق اطلاع رسیده، سازمان «امنیت» گروه مبارز فلسطین را بنقاط بد آب و هوا تبعید کرده است و در اثر شکنجه درخیمان شاه و عدم برخورداری جوانان انقلابی از وسائل بهداشتی، دچار بیماریهای کوناکون شده‌اند و توجهی باعترافات آنان نمیشود.
- طبق اطلاع رسیده، پاک نژاد بزندان بندرعباس، اما مسئولین حکومت هیچگونه اقدامی جهت مداوای وی انجام نمیدهند.

برای آزادی شالگونوی و صدها آزاده، دربند متحدا مبارزه کنیم.

بهرام و محمد رضا شالگونوی بزندان زابل، سلطان زاده بزندان یزد و صلحونوست به زندان یزد تبعید شده‌اند.

در ربیع الاول ۱۳۹۱، عده‌ای از اساتید و محصلین حوزه علمیه نجف الاشرف، نامه اعتراضیه‌ای به ملک فیصل پادشاه ارتجاعی عربستان سعودی و رونوشت آنرا بروسای دولتهای غربی و همچنین سازمان رهائی بخش فلسطین ارسال داشتند که طی آن آزادی علامه حاج شیخ محمد رضا ناصری را از مقامات عربستان سعودی و ایران خواستار شده بودند.

مأموران سازمان «امنیت» شاه در ذیحجه گذشته علامه ناصری را درحالی که اعصاب حج انجام میداده در مکه مکره ربودند. ناصری در همین هنگام نامه پیشوای بزرگ اسلام حضرت آیت العظمی آقای خمینی را بخش میگردد است. نامه آیت اله خمینی پیرامون مبادی اسلام، دفاع از جنبش مقاومت فلسطین، مبارزه با صهیونیسم و ادامه جهاد بخاطر پس گرفتن اراضی غصب شده بوده است.

● قریب چهار هزار نفر از کارگران کارخانه چیت جهان درنهم اردیبهشت ۱۳۵۰ دست باعتراف زدند. در اثر تیر اندازی پلیس به صفوف این کارگران در راه کرج نوزده نفر کارگر کشته میشوند.

نشانی پستی P.O. Box 7229 Beirut, Lebanon	بها
نشانی بانکی Chase Manhattan Bank Beirut, Lebanon Account I-13896	ایران ۲ ریال لبنان ۱۵ تروش عراق ۱۰ فلس کویت ۱۰ فلس ترکیه ۲۵ قرش

برای رهائی زندانیان سیاسی از زندانهای شاه متحداً مبارزه کنیم